



آبروی ما ز نام مصطفاست

سردبیر

طبقه‌ای نیست که از نور این آفتاب عالم تاب پرتو نگرفته و از فیض رحمت و مهربانی اش فیض نبرده باشد.

اندیشمندان گرانمایه علامه سید ابوالحسن ندوی (رحمه الله) این عنایات الهی را که به واسطه پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم به جامعه بشری ارزانی شده در کتاب «به سوی مدینه» این گونه به تصویر کشیده است:

«هیچ کسی احسانی همچون احسان پیامبر به جهان و جهانیان عرضه ننموده است. جا دارد که همه انسانهای جهان بر خود ببالند که در نوع آنها انسانی پیدا شده که مایه افتخار و سربلندی انسانیت می باشد. اگر حضرت محمد صلی الله علیه وسلم به رسالت مبعوث نمی شد، امروز دنیا در چه وضعی بسر می برد؟ و ما بهترین نمونه و الگوی شخصیت، چه کسی را ارائه می دادیم؟ حقا که پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم نشانه بارز عظمت و شکوه انسانیت است. او تنها برای یک ملت فرستاده نشده و مختص یک کشور و یک سرزمین نمی باشد. شایسته است که فرزندان آدم بر خود ببالند، زیرا آنها از جمله موجوداتی هستند که حضرت محمد صلی الله علیه وسلم، که نمونه کامل انسانیت است، در میان آن ظهور کرده است. همچنین در میان انسانها هیچ قشری وجود ندارد که لطف و محبت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم مستقیم یا غیرمستقیم بر آنان سایه گستر نشده باشد. آیا به مردان احسان نمود؟ آیا به آنها مردانگی و جوانمردی و انسانیت نیاموخت؟ آیا به زنان احساس نافرمود؟ آیا او نبود که حقوق زنان را بیان کرد، رعایت حقوقشان را بر مردان واجب شمرد، و فرمود بهشت زیر پای مادران است؟ هم ایشان بود که به در ماندگان و ضعفا احسان نموده، از آنان پشتیبانی کرد و بشدت نسبت به هر گونه ظلم و ستم در

ننالم از کسی می نالم از خویش
که ما شایان شأن تو نبودیم

الحمد لله رب العالمین و الصلاة و السلام علی افضل الخلق سیدنا محمد و علی آله و أصحابه أجمعین. اما بعد؛ بسم الله الرحمن الرحیم: «و ما أرسلناک الا رحمة للعالمین» (انبیاء: ۱۰۷)؛ «و تو را جز مایه رحمت برای جهانیان نفرستاده ایم».

در قرن ششم میلادی بشریت بدترین روزها را سپری می کرد، بساط فضایل و خوبی ها برچیده شده بود، ردایل و بدی در هر سوئی بیدار می نمود. بشریت در اعتقاد و عمل و اخلاق دچار بدترین انحرافات گشته بود. مصلحان که تعدادشان انگشت شمار بود نسبت به اصلاح جامعه قطع امید کرده بودند. تعالیم نورانی انبیاء علیهم السلام در زیر توده های جهل و انحراف پنهان شده بود. در همین دوران، ناگهان نسیم عنایات الهی بر بشریت وزیدن گرفت و آسمان بر زمین جود نمود و پیامبر خاتم و نبی آخر الزمان پا به عرصه وجود گذاشت. گرچه از بدو تولدش حال و هوای جهان عوض شده بود اما با بعثتش بهار سعادت و بهروزی و کرامت انسان متجلی شد، تاریکی و جهل زائل گشت و روشنایی و دانایی اوج گرفت، چنانکه گفته شده: «لیلها کنهارها»؛ شب مانند روز گشت.

دلایل حقانیت حق برای همگان هویدا و آشکار شد: «لیهلك من هلك عن بینة و یحیی من حی عن بینة» (انفال: ۴۲)؛ تا کسی که هلاک شده بعد از ظهور حجت و برهان هلاک شود و کسی که حیات و زندگی یافته از روی حجت و برهان زندگی یابد.

بدون تردید رسول مکرم اسلام صلی الله علیه وسلم مظهر عنایات خداوندی بر جهانیان بود. هیچ قشر و

حق آنها مخالفت ورزید و فرمود: از آه و نفرین مظلوم و ستمدیده بترسید زیرا بین دعای ستمدیده و خداوند هیچ گونه حجاب و حایلی وجود نداشته و دعایش به زیور اجابت مزین خواهد شد. از این رو خداوند می فرماید: «من نزد شکسته دلان هستم».

آیا او به فرمانروایان و قدرتمندان احسان نکرده است؟ اوست که وظیفه هر یک از آنان را در قبال مسئولیت شان بیان کرد و به برقرارکنندگان قسط و عدالت اجتماعی، نوید کامیابی داد و فرمود: پادشاه عادل در سایه عنایت پروردگار قرار می گیرد.

آیا او بر تجار و بازرگانان منت نه نهاد؟ او کسی بود که ارزش و فضیلت تجارت و بازرگانی را مطرح ساخت، خود نیز تجارت کرده بود و اعلام فرمود: بازرگانان راستگو و متدین در بهشت در کنار من قرار خواهند گرفت.

کارگران در سایه لطف و مرحمت ایشان قرار گرفتند. کسی را در جهان سراغ نداریم که مانند او از طبقه زحمتکش و کارگر دفاع نموده و دستور دهد که مزد کارگر را قبل از خشک کردن عرقش به وی بپردازد.

خوانندگان محترم! تنها انسانها نبودند که مدیون لطف و احسان آن حضرت قرار گرفتند، بلکه او به حیوانات هم به نظر لطف و ترحم نگریسته و فرمودند که تأمین خوراک و استراحت برای هر موجودی که دارای حیات و احساس است صدقه بشمار می رود. رسول اکرم صلی الله علیه و سلم مصداق واقعی «و یتستغفرون بالأسحار» بوده و شبها در حال راز و نیاز با معبود خویش چنین می فرمود: بار الها گواهی می دهم که همه بندگان تو با هم برادرند (أنا شهید أن العباد کلهم אחوة) با وجودی که مردم در همین دنیا خدا را منحصر به ملت و نژاد خاصی ساخته و عملاً هر جامعه و ملتی برای خویش خدایی داشت، چون خدای یهودیان، خدای مصریان، خدای ایرانیان و... پیامبر اکرم با ندای ملکوتی خویش به دنیا اعلام فرمود که خدا یکتا و یگانه است و به ملت، نژاد و گروه خاصی تعلق ندارد، بلکه او پروردگار جهانیان است: «الحمد لله رب العالمین»؛ «تمام سپاس و ستایش ها از آن خداوند است که پروردگار جهانیان است»^(۱).

کاش همه انسان ها این عطیه سترگ الهی را قدر می دانستند و بر وجودش افتخار می نمودند، اما متأسفانه کوردلان بی ادب و خفاش صفت، نه تنها خود را مدیون

احسانات نبی مکرم حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم نمی دانند بلکه با الهام از ابلیس به ساحت مقدس و مبارک نبی رحمت اهانت نموده و او را اذیت و آزار می رسانند و بدین طریق مستحق لعنت قرار می گیرند، برآستی که از ابلیس و پیروانش توقعی جزء این نیست. خداوند متعال خطاب به پیامبرش می فرماید: «و کذلک جعلنا لکل نبی عدواً شیاطین الانس و الجن یوحی بعضهم الی بعض زخرف القول غروراً و لو شاء ربک ما فعلوه فذرهم و ما یفترون. و لتصغی الیه أفئدة الذین لایؤمنون بالآخرة و لیرضوه و لیقتروا ما هم مقترفون» (انعام: ۱۱۲-۱۱۳)؛ «و بدینسان برای هر پیامبری دشمنی از شیاطین انس و جن قرار دادیم؛ برخی از آنان سخنان فریبنده بی اساسی را برای فریب، به برخی دیگر القا می کنند. و اگر پروردگارت می خواست، این کار را نمی کردند. پس آنان را با افترایشان و اگذار تا دلهای کسانی که به آخرت ایمان ندارند بدان (مزخرفات) گرایش یابد و آن را بپسندند و مرتکب هر چیزی شوند که می خواهند».

از این جهت آنچه چندی پیش در جهان مشاهده کردیم که یک روزنامه دانمارکی با کمال وقاحت با چاپ کاریکاتورهای آنچنانی به گل سرسبد عالم بشریت توهین روا داشت، جای تعجب و دور از انتظار نیست و در تاریخ بشریت تازگی ندارد.

ماه فشانند نور و سگ عوعو کند

هر کسی بر طینت خود می طنند

اما سؤال اینجاست که چرا برای چنین کاری این مقطع از تاریخ انتخاب شد، و انگیزه این کار چه بود. چه دستهایی پشت صحنه قرار دارد و چه اهدافی را دنبال می کنند؟ واقعیت این است که دشمنان اسلام و بالآخر جهان غرب خیلی وقت است که علیه اسلام و مسلمین تلاش می کنند. تهاجم فکری و فرهنگی گرچه در هر زمان بوده اما آگاهان می دانند که به این گستردگی و با این سازماندهی بی سابقه است.

جهان غرب برنامه های بسیاری را در جهان اسلام آزموده است از جمله:

۱- تحمیل شیوه های فرهنگی و آموزشی،

۲- شستشوی مغزی جوانان مسلمان مخصوصاً آنانکه در مهد تمدن غرب و دانشگاه های غربی پرورش یافته اند،

۳- ترویج بی بندوباری و رهاشدگی به بهانه

آزادی فکر، عمل و بیان، ۴- ترویج فساد و ابتذال در میان توده‌های مسلمان و قشر جوان، ۵- ایجاد شک نسبت به مبانی دینی و شخصیت‌های معنوی و ارائه الگوهای کاذب و بی‌اساس، ۶- ایجاد سوءظن و تنش در روابط میان دولت‌ها و ملت‌های مسلمان، ۷- احیای سنت‌های فرسوده عهد کهن، ۸- تقدیر و تبلیغ ناسیونالیسم و تزریق روح ملیت‌گرایی محض، ۹- سبک شمردن عالمان و اندیشمندان دینی، ۱۰- قرار دادن انبیاء علیهم السلام در ردیف رهبران نهضت‌های سیاسی و دینی، ۱۱- تبلیغ و ترویج لائیسیته و سکولاریسم، ۱۲- تبلیغ علیه جهاد و ارائه تصویر نادرست از مجاهدین و نام‌گذاری جهاد و مجاهدان به تروریسم و تروریست و خشونت طلب.

موارد مذکور مثنی نمونه خروار از فعالیت‌های جهان غرب در کشورهای اسلامی و در میان مسلمانان است. غربی‌ها وقتی برخی از نتایج فعالیت‌های خویش را در کشورهای اسلامی مشاهده می‌نمایند، فکر می‌کنند که دیگر همه چیز به نفع آنها تغییر یافته است و ملت اسلامی استحاله شده است. از این رو گاهی درصدد بر می‌آیند تا به عنوان نتیجه‌گیری نهایی احساسات امت اسلامی را تست نمایند و حساسیت‌شان را نسبت به دین مبین اسلام، شعایر اسلامی، قرآن مجید و پیامبر مکرّم اسلام صلی الله علیه و سلم مورد آزمایش قرار دهند، سپس بر اساس آن گام‌های بعدی را بردارند.

برای این منظور گاهی قرآن مجید، گاهی کعبه و گاهی همسران گرامی پیامبر و گاهی شخص خود پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم را نشانه می‌گیرند.

بدون تردید آنچه در دانمارک پیش آمد و بعد از چندی در مطبوعات بعضی دیگر از کشورهای غربی تکرار شد، حلقه‌ای از این توطئه بود. الحمدلله جهان اسلام مخصوصاً نسل جوان با واکنش سریع، گسترده و عزتمندانه خود خواب‌را از چشمان توطئه‌گران ربودند. توده‌های مسلمان، مخصوصاً نسل جوان نشان دادند که گرچه زندگی مسلمانان از خیلی جهات دچار ضعف شده است و فرهنگ منحن غربی بسیاری را در دام خود گرفتار و آلوده کرده است، اما اخگر عشق به اسلام، شعایر اسلامی و نبی رحمت صلی الله علیه و سلم هنوز در نهان خانه دل‌هایشان فروزان است و کوچکترین تلنگر و واقعه‌ای می‌تواند آن را به آتشفشانی مهیب تبدیل نماید.

در دل مسلم مقام مصطفاست
آبروی ما ز نام مصطفاست

مسلمانان حاضرند همه چیز را از دست بدهند، مظلوم واقع شوند، رنج‌ها و محرومیت را تحمل کنند، اما غیرت ایمانی‌شان هرگز اجازه نمی‌دهد در قبال اهانت به رسول الله صلی الله علیه و سلم (پدران و مادران و جانهای ما فدایش باد) ساکت و بی‌تفاوت بنشینند. برآستی که غیرت مسلمین در هر زمان سبب ناکامی دشمن گردیده و معجزه آفریده است. و بی‌شک این گوهر گرانبها بزرگترین سرمایه و پشتوانه یک مسلمان و محافظ وی در مقابل فتنه‌هاست.

دشمنان کوردل و بی‌ادب باید بدانند که تحریک این غیرت ضمن اینکه مسلمانان را بیدار و متحد می‌گرداند، در خرمن دشمنان نیز آتش خواهد زد و به خواری و ذلت‌شان خواهد افزود.

وظیفه علماء، اندیشمندان و رهبران امت اسلامی

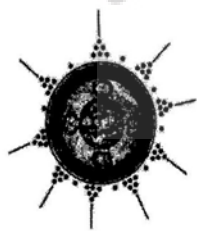
آنچه در این برهه خیلی مهم و جدّاقابل توجه است، این است که علماء، اندیشمندان و رهبران جامعه اسلامی قدر این نعمت (غیرت اسلامی) را بدانند و به آینده امت امیدوار باشند و اذعان نمایند که وجود همین غیرت است که اهل ایمان را در مقابل کفر و بی‌دینی بیمه می‌کند و مصون نگه می‌دارد. پس باید از این گوهر گرانبها به بهترین وجه بهره‌برداری نمود و با کشف و آبیاری این غیرت ایمانی در جهت شکوفایی، توسعه و ارتقای آن سعی بلیغ نمود. باید کوشید تا نسل معاصر را با تعلیمات رسول الله صلی الله علیه و سلم و سیره پاکش آشنا کرد. کفران این نعمت و غفلت از آن گناهی نابخشودنی است.

متفکران اسلامی و داعیان دین وظیفه دارند آستین همت بالا بزنند و راهکارهای مناسب را در این زمینه عملی کنند.

آنچه در این راستا عاجلاً به ذهن نگارنده می‌رسد ذیلاً پیشنهاد می‌گردد:

۱- برگزاری جلسات منظم سیره نبوی در مساجد، خانه‌ها و جاهایی که میسر است جهت آشنا کردن هر چه بیشتر نسل جوان با تعالیم گهربار پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم و استفاده از وسایل و ابزار جدید و مناسب سمعی و بصری در این خصوص؛

بر عیار مصطفی خود را زند
 سا جهان دیگری پیدا کند
 اما توصیه علامه اقبال به جوانان مسلمان:
 غنچه‌ئی از شاخسار مصطفی
 گل شو از باد بهار مصطفی
 از بهارش رنگ و بو باید گرفت
 بهره‌ئی از خلق او باید گرفت
 مرشد رومی چه خوش فرموده است
 آنکه یم در قطره‌اش آسوده است
 «مگسل از ختم رسل ایام خویش
 تکیه کم کن بر فن و برگام خویش»
 آنکه مهتاب از سر انگشتش دو نیم
 رحمت او عام و اخلاقش عظیم
 از مقام او اگر دور ایستی
 از میان معشر ما نیستی
 کوکبی؟ می تاب بر گردون خویش
 پامنه بیرون ز پیرامون خویش
 طینت پاک مسلمان گوهر است
 آب و تابش از یم پیغمبر است
 آب نیسانی به آغوشش در آ
 وز میان قلزمش گوهر بر آ
 در جهان روشن تر از خورشید شو
 صاحب تابانی جاوید شو^(۳)



- ۲- تألیف و ترجمه کتاب‌های سیره نبوی و زندگانی اصحاب پیامبر صلی الله علیه وسلم و پخش و انتشار آن؛
- ۳- برگزاری مسابقات علمی میان دانش آموزان، دانشجویان و جوانان، و تشویق آنان به کنجکاوی و پژوهش علمی در این مورد؛
- ۴- تأسیس انجمن‌ها و تشکل‌ها جهت تحقق بخشیدن به موارد ذکر شده؛
- ۵- آگاه ساختن جوانان و نسل‌های آینده از ترفند‌ها و برنامه‌های دشمنان اسلام و کینه توزی‌شان نسبت به دین، قرآن و پیامبر، و تقویت غیرت ایمانی‌شان؛
- ۶- اجرای دستورات اسلامی در زندگی خود و افراد خانواده خود و اهتمام به دعوت الی الله و امر به معروف و نهی از منکر؛
- ۷- تشویق و ترغیب به کثرت درود و صلوات بر آن حضرت صلی الله علیه وسلم؛
- ۸- اختصاص دادن بخشی از درآمد روزانه و یا ماهانه خود جهت ترویج آیین الهی و سنت‌های پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم؛
- ۹- اقدام به انجام مسافرت‌های آموزشی و دعوت‌گرانه به شهرها و کشورهای دیگر، جهت تقویت این روحیه و ارتباط با دیگر مؤمنین و مسلمانان؛
- ۱۰- انجام همه این امور را نصرت دین و پیامبر اسلام پنداشتن و برای قبولیت آن در پیشگاه الله تعالی و توفیق بیشتر دعا کردن، «و من الله التوفیق و لا حول و لا قوة الا بالله العظیم».

در آخر پای سخن عاشق دلسوخته رسول الله صلی الله علیه وسلم، علامه محمد اقبال لاهوری، می‌نشینیم که ما را نسبت به افسون‌های عصر حاضر که در کمین سرمایه‌عزت و آبروی ما هستند هشدار می‌دهد:

ای تهی از ذوق و شوق و سوز و درد
 می‌شناسی عصر ما با ما چه کرد
 عصر ما را از ما بیگانه کرد
 از جمال مصطفی بیگانه کرد
 سوز او تا از میان سینه رفت
 جوهر آئینه از آئینه رفت

و در بیان ویژگی مرد حق می‌گوید:

مرد حق باز آفریند خویش را
 جز به نور حق نبیند خویش را

۱- امام سید ابوالحسن علی ندوی، به سوی مدینه، ترجمه محمد قاسم بنی‌کمال (قاسمی) و عبدالقادر دهقان، ص: ۱۲۹-۱۳۱، انتشارات ندوی، ۱۳۸۴.
 ۲- علامه محمد اقبال لاهوری، کلیات اقبال، ص: ۸۹، انتشارات سنایی، ۱۳۷۶.